

Utopian Political Thought in the Works of Jalal Al-Ahmad and Najib Mahfouz, by examining the role of Sufism in the Two Stories of Noon and Al-Qalam and the Journey of Ibn Fatuma

Reza Abbasi¹
Dr. Behrooz Mahmoodi Bakhtiyari²
Mehdi Amiri³
Dr. Ali askar Alizade Moghaddam⁴

Abstract

The present study is devoted to the comparative study of Political Utopian thought in the The Journey of Ibn Fatumah by Najib Mahfouz and Nun al-Kalam by Jalal al-Ahmad. The utopian idea is based on the negation of the status quo, the existence of a crisis, and the attempt to idealize things. In both stories, using symbolic language and Sufism, writers are trying to present an image of an ideal society. They both believe that utopia can be achieved but the main obstacles on the way are the rulling of government and the seizure of power by certain individuals. Both writers use a symbolic language, with the difference that the noble language of the Arabic work is the literary language influenced by the classical works of Arabic literature, while al-Ahmad has chosen folk language for his narrative. Al-Ahmad's story, in its narrative, uses a type of Sufism whose social aspect is strong and its followers, or Qalandars, seek power but having faced with its difficulties, they resort to the way of the former power-owners but are defeated by them. Although the story hero seeks martyrdom, the protagonist of the story is eventually exiled. But Najib has applied a specific aspect of Sufism in the story, namely, the cutting off from the material world and its defects and the discovery and intuition of meditation and austerity. The main character of the story explores various lands in search of a way to solve his own homeland's problems. He ultimately finds the way to prosperity in Sufism.

Keywords: Utopia, Najib Mahfouz, Jalal al-Ahmad, Nun Al-Qalam, Ibn Fatumah.

¹. (Corresponding Author) Lcturer, faculty member of Department of Performing Arts, Faculty of Arts and Architecture, Zabol University, Iran. Reza.abbasi@uoz.ac.ir

². Associate Professor, Faculty of Drama and Music, Fine Arts Campus, Tehran University, Iran. Mbakhtiyari@ut.ac.ir

³. Lecturer, faculty member of Department of Performing Arts, Faculty of Arts and Architecture, Zabol University, Iran. Art.Amiri@uoz.ac.ir

⁴. Assistant professor, faculty member of Department of Performing Arts, Faculty of Arts and Architecture, Zabol University, Iran. Askar.alizadeh@uoz.ac.ir

Date of receipt: 2021-05-31, Date of acceptance: 2021-07-02

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان نون و القلم و رحله ابن فطومه (مقاله پژوهشی)

رضا عباسی*

دکتر بهروز محمودی بختیاری**، مهدی امیری***، دکتر علی عسکر علیزاده مقدم****

چکیده

بنیاد اندیشه آرمان‌شهری در دو داستان رحله ابن فطومه نجیب محفوظ و نون و القلم جلال آل احمد بر نفی وضع موجود، وجود بحران و تلاش برای آرمانی کردن امور مطلوب بنا شده است، محیط خلق هر دو داستان، یعنی ایران و مصر در زمان نوشتن آن‌ها دارای شرایطی بحرانی از نظر اجتماعی و فکری است که زمینه ساز ایجاد اندیشه آرمان‌شهری است از این رو. نویسندگان این دو اثر با استفاده از زبانی نمادین و با توجه به تصوّف تلاش دارند تا تصویری از جامعه آرمانی خود ارائه دهند. از نگاه نویسندگان، آرمان‌شهر دست‌یافتنی است و علت عدم تحقق آن وجود حکومت و قبضه کردن قدرت توسط عده‌ای خاص است. زبان نوشتاری نجیب محفوظ در رحله ابن فطومه زبانی ادبی و متأثر از آثار کلاسیک ادبیات عربی است، در حالی که آل احمد زبانی عامیانه را برای روایت خود برگزیده است. داستان آل احمد در روایت خود، از تصوّفی بهره برده است که جنبه اجتماعی آن نیرومند است و قلندران پیرو آن به دنبال

* (نویسنده مسئول) مربی گروه هنرهای نمایشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه زابل، ایران. Reza.abbasi@uoz.ac.ir

** دانشیار گروه هنرهای نمایشی، دانشکده موسیقی و نمایش، پردیس هنرهای زیبا، تهران، ایران. Mbakhtiari@ut.ac.ir

*** مربی گروه هنرهای نمایشی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه زابل، ایران. Art.Amiri@uoz.ac.ir

**** استادیار گروه هنرهای نمایشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه زابل، ایران. Askar.alizadeh@uoz.ac.ir

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۱

۱۹۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

قدرت هستند، اما در مواجهه با دشواری‌های آن خود نیز به راه صاحبان پیشین قدرت می‌روند و در نهایت از قدرت پیشین شکست می‌خورند؛ و قهرمان داستان نیز اگرچه به دنبال شهادت است، در نهایت تبعید می‌شود؛ اما محفوظ تصوف را در جنبه فردی آن یعنی بریدن از عالم مادی و نقایص آن و کشف و شهود ناشی از مراقبه و ریاضت، وارد داستان خود کرده است و شخصیت اصلی داستان در پایان راه سعادت را در چنین تصوفی می‌یابد که امری فردی است.

کلیدواژه‌ها: اندیشه سیاسی، تصوف، آرمان‌شهر، نجیب محفوظ، جلال آل احمد، نون و القلم، رحله ابن فطومه

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

آرمان‌شهر و تفکر بنای آرمان‌شهر از موضوعاتی است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان، فیلسوفان، عارفان و رجال دین بوده است. از نظر تاریخ تعیین دقیق خاستگاه یک اندیشه دشوار و از نظر فکری نیز چنین امری تا اندازه زیادی بیهوده است، اما توجه به سیر تاریخی سودمند است. متفکرین با توجه به کتاب‌های باقیمانده و شناخته شده زادگاه این اندیشه را یونان باستان و در اندیشه فیلسوف تاریخ ساز یونان افلاطون می‌دانند که به ویژه در کتاب جمهوری بازتاب یافته است، این اندیشه را می‌توان در تفکر دینی ایرانیان باستان نیز یافت. (اصیل، ۱۳۸۱: ۴۵-۸۴) در اندیشه غربی اتوپیا، یا آرمان‌شهر نخستین بار توسط تامس مور، نویسنده و فیلسوف انگلیسی قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی، به کار گرفته شده است. در متن‌های اساطیری و دینی ایران باستان، از جامعه آرمانی و بهشت این جهانی نیز یاد شده است. هرچند «مدینه فاضله افلاطون»، قدیمی‌ترین نمونه این جامعه یا شهر تخیلی است، ولی این اصطلاح بیشتر پس از انتشار کتاب تامس مور در سال ۱۵۱۶ م. فراگیر شد (مور، ۱۳۷۲: ۱۶).

اندیشه در زمینه آرمان‌شهر لزوماً به معنای تلاش برای محقق کردن آن و یا در دسترس بودن آن نیست. اتوپیاها از مرزهای زمان و مکان می‌گذرند و جایگاه آن‌ها تخیلی است. جرقة پیدایش اتوپیاها در بحران‌ها زده می‌شود (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۸). در ایام

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۱۹۳

بحران اندیشمندان از اصلاح امور ناامید می‌شوند و به تصاویری آرمانی و خیالی از سرزمین و جامعه مطلوب خود متوسل می‌شوند، این جامعه آرمانی می‌تواند دست‌یافتنی و یا خیالی و به کلی خارج از دسترسی بشری باشد، بسته به نوع جامعه و وجود حرکتی که برای اصلاح و یا تغییر وضعیت وجود دارد و یا میزان سرکوب در جامعه، سرزمین آرمانی یا آرمان‌شهر می‌تواند شکلی متفاوت داشته باشد، برخی از ویژگی‌های آرمان‌شهری عبارت‌اند از: اتوپیاها، طرح‌هایی ذهنی و تصویرهایی ایدئال از دنیای به نسبت بهتر هستند. اتوپیاها دربرگیرنده تفسیرها و تعبیرهای تجربی و عقلانی اوضاع اجتماعی موجود نیستند، بلکه ایدئال‌های انتزاعی ذهنی هستند که هیچ‌گونه اقدام عملی را برای رسیدن به واقعیت ملموس تضمین نمی‌کنند. (افشار، ۱۳۹۱: ۴۹)

ادبیات داستانی به عنوان یک رسانه مهم برای بیان اندیشه‌های انتقادی مورد استفاده قرار گرفته است، اندیشه آرمان‌شهری نیز یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بوده است که به عنوان رسانه‌ای برای بیان آن، به کار رفته است. در جوامع مختلف بنای به شرایط گوناگون و وضعیت مختلف امور، بازتاب این اندیشه در ادبیات داستانی متفاوت بوده است، در این تحقیق به بررسی اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در دو رمان از دو جامعه متفاوت پرداخته شده است، نخستین اثر، کتاب نون و القلم از جلال آل احمد نویسنده معروف ایرانی و دیگری رمان «رحله ابن فطومه: سفر ابن فطومه» اثر نجیب محفوظ نویسنده مشهور مصری است، فردی که جایزه نوبل ادبیات را از آن خود کرده است. هدف این تحقیق بررسی دو اثر یاد شده از نظر مطرح شدن اندیشه آرمان‌شهری، شکل بیان و نتیجه‌ای است که این دو نویسنده از آن می‌گیرند، به این منظور، محتوای هر دو اثر با بیانی تحلیلی مطرح شده است و میان آن دو مقایسه‌ای صورت گرفته است.

۱۹۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

در زبان عربی درباره نجیب محفوظ تحقیقات زیادی انجام گرفته است به عنوان مثال از جمله آثاری که تا اندازه‌ای به موضوع تحقیق کنونی مرتبط است می‌توان به محمود عثمان (۲۰۰۴) که به اثبات وجود رویکرد صوفیانه در رمان مصری پرداخته است و السکوت (۱۹۸۵) در نجیب محفوظ و راه‌حل صوفیانه، به تصوف به‌عنوان راه‌حلی برای مسائل مطرح شده در نوشته‌های نجیب محفوظ پرداخته اشاره کرد. در فارسی نیز تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است: میرزایی و امیریان (۱۳۹۶)؛ به مقایسه زبان هنری در زبان هنری در منظومه «منطق الطیر» عطار و «سفرنامه ابن فطومه» نجیب محفوظ پرداخته‌اند، از نگاه نویسندگان، ابن فطومه، قهرمان این داستان، نماد «انسان سالک راه حق» است که به دنبال کشف شهودی حقیقت است، اما در این پژوهش رمان نجیب محفوظ که یک اثر معاصر است با اثری تاریخی مقایسه شده است که با وجود داشتن اشتراکاتی وجوه اجتماعی مدرن در جامعه را که منجر به خلق چنین اثری در زبان عربی شده و شباهت یا تفاوت آن با وضعیت کنونی در ایران مطرح نشده است. در زمینه داستان نون و القلم از جلال آل احمد هم کارهای تحقیقاتی زیادی انجام شده است. صدیقی (۱۳۸۸) درباره مسئله بومی‌گرایی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی معاصر ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷) تحقیق کرده است که بخشی از آن به داستان نون و القلم اختصاص دارد. محبی (۱۳۸۷) نقد قدرت در این اثر را مورد توجه قرار داده است. موحدی (۱۳۹۰) در بررسی «نامه پولوس رسول به کاتبان» مرامنامه‌ای از جلال آل احمد، نون و القلم را نیز در چارچوب این مرامنامه بررسی کرده است. پارسا و حاجی (۱۳۹۲) نیز رابطه کارکردهای زبانی با تیپ‌های شخصیتی در داستان نون و القلم بررسی کرده‌اند. ولی مجموعاً تحقیق مستقلی که به بررسی اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در دو داستان نون و القلم و رحله ابن فطومه پرداخته باشد، وجود ندارد.

از سوی دیگر، اگرچه تحقیقاتی به جنبه صوفیانه آثار نجیب محفوظ و به ویژه رحله ابن فطومه و جنبه اجتماعی داستان نون و القلم پرداخته است، اما اندیشه آرمان‌شهری و تلاش دو متفکر برای بیان آن از خلال اثر خود که قهرمان در آن در بحرانی شخصی یا اجتماعی

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب‌محموظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اوّل: عباسی) ۱۹۵

سعی در اصلاح دارد، از دید منتقدان پنهان مانده است. این موضوع با توجه به اهمیت این دو نویسنده در ادبیات معاصر فارسی و عربی و ارتباط و شباهت شرایطی که دو داستان در آن خلق شده‌اند، از منظر ادبیات تطبیقی اهمیت می‌یابد. پرسش بنیادی این تحقیق آن است که دیدگاه‌های آل احمد و محفوظ در باب آرمانشهر با چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در آثارشان ظهور یافته است، و این موارد در چه چهارچوب‌هایی قابل تبیین هستند.

۲. مبانی نظری

۲,۱ پیشینه تاریخی محیط خلق دو اثر

جامعه ایران و مصر، شباهت‌های زیادی باهم دارند هر دو کشور میراث دار تمدن اسلامی در عصر درخشش خود هستند و خود نیز در دوره‌های مهم تاریخی از پیشگامان این تمدن بوده‌اند و ارتباط فرهنگی و سیاسی آن‌ها تا عصر حاضر تداوم داشته است. با این وجود، دو جامعه ایران و مصر تفاوت‌های مهمی نیز دارند. ایران اگرچه سال‌ها در دوره قاجار صحنه دخالت قدرت‌های بیگانه و به‌ویژه انگلیس و روسیه بوده است اما هیچ‌گاه همانند مصر تحت تسلط قدرتی بیگانه درنیامد. اطلاع از وضعیت نامناسب ایران در پس از جنگ‌های ایران و روسیه در میان اهل فکر و زمامداران ایران حاصل شد و در این دوران تلاش‌ها برای اصلاح آغاز شد، همانند مصر، زمامداران ایران نیز چاره را در مدرنیزاسیون و بهره‌گیری از تمدن غربی دیدند، تلاش‌های در ایران برای اصلاح سرانجام منجر به وقوع انقلاب مشروطه در ایران شد، اما مشروطه در ایران دیری نپایید و با انقراض قاجاریه و تأسیس سلسله پهلوی، استبداد با مسلح شدن به ابزارهای مدرن بر ایران حکم‌فرما شد، این استبداد تا وقوع انقلاب اسلامی تداوم داشت، اگرچه در ابتدای دوره محمدرضا شاه، فضای اجتماعی و سیاسی ایران تا حدود زیادی متکثر گرا و همراه

۱۹۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

با آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی بود اما این آزادی و تکرر دیری نپایید و بعد از کودتای ۲۸ مرداد در ابتدای دهه سی شمسی استبداد با قدرت بیشتری بازگشت.

از سوی دیگر، مصر کشوری عربی است. عمده مردم آن اهل سنت‌اند، و الازهر مهم‌ترین مرکز آموزش علوم اسلامی اهل سنت است. از نظر سیاسی هم این کشور سال‌ها فاقد استقلال بوده است. از ابتدای عصر صفوی عثمانی‌ها با شکست ممالیک بر مصر حکمرانی می‌کردند، بعدها در حمله ناپلئون مصر به اشغال فرانسه درآمد، بعد از اخراج فرانسویان توسط محمدعلی پاشا سردار آلبانیایی تبار عثمانی، ابتدا خود او و بعد افراد مختلفی از نسل وی بر مصر حکمرانی کردند که در تاریخ مصر خدیوین خوانده می‌شوند، وی اقدام به انجام اصلاحات گسترده در بنای اجتماعی، سیاسی و نظامی مصر کرد و با آغاز مدرنیزاسیون مصر و آغاز اقتباس از تمدن غربی به‌نوعی باید او را بنیان‌گذار مصر جدید خواند، بعد از فروپاشی عثمانی، خاندان محمدعلی بر مصر حکمرانی می‌کردند، (عبدالعزیز عمر، ۱۹۸۹: ۴-۶) تا آنکه ملک فاروق آخرین پادشاه این خاندان در قیام افسران آزاد، از قدرت کناره گرفت و در این کشور جمهوری تأسیس شد.

نجیب محفوظ در دوران حکومت خاندان علوی و در دوره ملک فؤاد اول متولد شد، او در شاهد انقلاب ۱۹۱۹، تغییر نظام به جمهوری و شاهد دوران حکمرانی، سه رئیس‌جمهور یعنی، عبدالناصر، انورالسادات و حسنی مبارک بود. رمان *رحله ابن فطومه* هم در سال ۱۹۸۳ میلادی (دو سال پس از ترور انور سادات) انتشار یافت. آل احمد نیز در سال‌های آخرین قاجاریه متولد شد، کودکی او در دوران رضاشاه گذشت و او خود تغییرات گستره از جمله کشف حجاب، اشغال ایران توسط متفقین و کودتای ۲۸ مرداد را شاهد بود. او *نون و القلم* را در سال ۱۳۴۰ ش منتشر کرد، و دو سال بعد قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲ رخ داد.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب‌محموظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۱۹۷

چنانچه مشاهده می‌شود، می‌توان دید که وضعیت بحرانی که شرط ظهور اتوپیا در قالب اثری ادبی و یا فلسفی است، در ایران و مصر زمانه نوشتن دو اثر موردبررسی موجود بوده است، هم ایران و هم مصر در عصر نوشتن این آثار، انباشته از بحران‌های سیاسی و اجتماعی بوده‌اند و در راستای این امر بوده است که دو نویسنده دست به قلم برده‌اند تا اثری با اندیشه آرمان‌شهری خلق کنند. در ادامه به شرح و تحلیل این دو اثر پرداخته خواهد شد و سپس مقایسه و تطبیق میان آن دو بیان خواهد شد و در انتها نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲,۲ بررسی و تحلیل دو داستان

۲,۲,۱ نون و القلم

نام قصه یعنی «نون و القلم» برگرفته از یکی از سوره‌های قرآن است و به‌نوعی می‌توان آن را حاوی پیام اصلی داستان نیز دانست که حاکی از نوع رسالت در تعهد روشنفکری و اهل‌قلم و نماینده ارزش‌های متعالی انسان است.

داستان در هفت مجلس روایت می‌شود. یک «پیش‌درآمد» و یک «پس‌دستک» که می‌توان آن را مقدمه و موخره‌ای برای ورود و خروج به مجالس هفتگانه یا مضمون اصلی داستان دانست. مضمون این پیش‌درآمد و پس‌دستک، حکایتی قدیمی در ادبیات فارسی است، چوپانی به نزدیکی شهر می‌رسد و چون هیاهوی مردم در اطراف دروازه را می‌بیند، برای فهمیدن ماجرا به میان مردم می‌رود، اما در میان مردم نیز اطلاعی از ماجرا نمی‌یابد تا آنکه ناگهان بازی بر سر او می‌نشیند، او بی‌خواست خودش به وزارت می‌رسد. اگرچه چوپان در مقام وزارت به‌درستی عمل می‌کند اما سرانجام به دلیل عدم رعایت مصالح قدرتمندان، به وسیله سم به قتل می‌رسد. (آل احمد، ۱۳۸۳: ۱۵-۲۱) این

۱۹۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب‌محمفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

حکایت را می‌توان به‌نوعی تمثیلی از تصادفی بودن رسیدن به حکومت، موانع عدل و اعمال نفوذ قدرتمندان در راستای منافع خود دانست.

قصه از نظر زمانی در یک پاییز و زمستان می‌گذرد و اوایل بهار سال بعد پایان می‌گیرد، زمان قصه به نظر می‌رسد که داستان در دوره شاه‌عباس اتفاق می‌افتد، اما مکان داستان می‌تواند سرزمینی ایرانی در دوره صفویه و یا سایر ادوار تاریخی باشد که از ستم حکمرانان رنج می‌برد و سودای عدالت را در سر دارد ولی نظام عرفی و شرعی موجود برای اداره اوضاع کفایت می‌کند، قدرتمندان منفعت بیشتری می‌برند و مردم عادی به زحمت لقمه نانی به دست می‌آورند. شرع و عرف برای اداره امور اجتماع کفایت می‌کند. اگرچه مدار اوضاع به شکلی مناسب و آرمانی نیست.

در نخستین مجلس با دو شخصیت اصلی داستان آشنا می‌شویم که عبارت‌اند از دو میرزا بنویس به نام‌های میرزا عبدالزکی و میرزا اسدالله دومی در مقابل در مسجد جامع شهر به عریضه‌نویسی و میرزابنویسی مشغول است بسیار سخت‌کوش، سخت معتقد به اصول خود، درستکار، راست‌گو و مهربان است، اگرچه هوشمند است اما در نظر او همه‌جا نخست ایمان است و سپس عمل، لذا تا زمانی که به کاری ایمان نداشته باشد، وارد آن نخواهد شد. همکار او میرزا عبدالزکی فردی عملگراست و مصلحت و مقتضیات خود و زمانه را به‌خوبی تشخیص می‌دهد؛ و به سبب خویشاوندی از جانب همسر با اعیان و طبقه حاکم مذهبی و اجرایی مانند خانلرخان و میزان الشریعه نیز ارتباط دارد. او در کار خود بر خلاف میرزا اسدالله رعایت اخلاق را نمی‌کند و از دعانویسی و درمان های جادو مانند نیز روی‌گردان نیست، شخصیت او به نحوی نشان‌دهنده ضعف‌ها و قوت‌های میرزا اسدالله است که قهرمان اصلی داستان است. (همان: ۲۱-۳۵)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۱۹۹

مجلس دوم و سوم، داستان حول گفت‌وگوهای دو میرزا بنویس در زمینه مشکلات خانوادگی خود است که در زمینه آن‌ها اطلاع روشن‌تری از وضعیت شهر و افکار دو شخصیت ارائه می‌شود. (همان: ۳۵-۷۰)

در مجلس چهارم است که صحبت از سابقه حضور قلندران در شهر می‌شود. عدالت‌طلبی و تساوی خواهی از اصول عمده این قلندران است، قلندران دارای تکیه‌هایی هستند و هر تکیه تبدیل به بستی شده است که پناهی برای مظلومان است. افکار اومانیستی را نیز در آن‌ها می‌توان دید. قلندران به جای بسم الله می‌گفتند، استعین بنفسی و به جای پرستیدن خدا انسان را محترم و قابل‌پرستش می‌دانستند. آن‌ها ازدواج نمی‌کردند، به مالکیت اعتقاد نداشتند و زندگی مشترک را ترویج می‌کردند، اهل فتوت بودند و با وارستگی ظاهری زندگی می‌کردند، هرچند آن‌ها نیز از رذایل اخلاقی **بری** نبودند. اندیشه آرمان‌شهر و تأسیس حکومت عادل از اینجا وارد داستان می‌شود، قلندران با ساخت توپ که حکومت از آن ناتوان است، برآنند که به ارگ سلطنتی حمله کنند و خود حکومتی عادل تشکیل دهند، با حيله‌ای که وزیر به کار می‌برد شاه از شهر می‌رود و قلندران بدون خونریزی و قیام حکومت شهر را به دست می‌گیرند. همان‌طور که چوپان نیز به راحتی به وزارت رسیده بود. (همان: ۷۰-۸۵) در خلال روایت مجلس چهارم است که آرمان‌شهر مورد انتظار قلندران رفته‌رفته شکل می‌گیرد و همراه با آن مشکلات مسائل نیز عیان می‌شود. در گستره سخن، عدل، مساوات و خون نریختن بسیار مطلوب و معقول است اما در گستره عمل هنگامی که واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی خود را نشان دادند، پایبندی به این امور بسیار دشوار است.

در مجلس پنجم دو میرزا بنویس به قصد تهیه صورت جلسه و تنظیم اسناد و حد حصر املاک یکی از بزرگان بازاری که ناگهان از دنیا رفته است به ده او مسافرت می‌

۲۰۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

کنند، میرزا اسدالله که به کلی از ماجرا بی‌خبر است به نظر خود اقدامی نامتعارف در کار خود نمی‌کند، اما در آنجا به وسیله یکی از فرزندان مرحوم حاج ممرضا آگاه می‌شود که کار او و همکارش در واقع سندسازی و مصادره اموال آن مرحوم است و قرار بر این شده که بخشی از اموال نیز در راستای این خدمت به دو میرزا بنویس برسد، در اینجاست که از ادامه کار خودداری می‌کند و خطاب به همکار خود می‌گوید که «تا آنجا که یادم است ماها پدر در پدر از راه قلم نان خورده‌ایم اما هیچ‌وقت قلممان را توی خون و مال مردم نزده‌ایم» (همان: ۹۷) و پس از آنکه اصرار همراهان خود را می‌بیند، مهر خود را می‌شکند و خطاب به حاضرین می‌گوید که می‌توانید شهادت دهید که میرزا اسدالله نام بود که در حضور ما مهرهایش را شکست و تصمیم گرفت که از راه این قلم و کاغذ نان نخورد. (همان: ۱۰۸) میرزا اسدالله در این مجلس سخت‌کوشی خود و اعتقاد خدشه‌ناپذیر به اصولش را نشان می‌دهد. دو میرزا بنویس با حفظ شرافت خود و همکاری نکردن برای مصادره اموال مردم، به شهر بازمی‌گردند. شهری که اکنون در اختیار قلندران است.

مجلس ششم، قلب قصه است. روایت گوشه‌هایی از ماجرای است که در زمان حکومت قلندران پیروز در شهر می‌گذرد، مثل پیوستن میزان الشریعه و خانلر خان درباری به دولت انقلابی جدید. مهم‌ترین چیزی که در مجلس ششم روایت می‌شود، پیوستن دو میرزا بنویس به دولت انقلاب است. کلام اصلی نویسنده را می‌توان در این مجلس دریافت. رابطه اهل قلم با قدرت، جایگاه و نقش روشنفکران معترض در حکومت، ولو حکومت انقلابی و عدالت‌خواه تردیدها و رد و انکارها و بالاخره وارد شدن در ساختار قدرت و مواجهه با دشواری‌های عرصه عمل. قلندران پیروز از میرزابنویس‌ها می‌خواهند که به انقلاب بپیوندند. میرزا عبد الزکی که فردی عمل‌گراست می‌پذیرد و به مقام مستوفیگری قلندران می‌رسد. به میرزا اسدالله پیشنهاد می‌شود شغل قضا را در دستگاه حکومت قلندران بپذیرد، ولی او به سبب اصول خود اکراه دارد که اصلاً وارد این قضایا شود و آینده‌ای برای این نهضت نمی‌بیند. حسن آقا از فرماندهان قلندران سعی می‌کند

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب‌محموظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۲۰۱

میرزا اسدالله را قانع کند که حالا زیر پای حکومت ظلم را رو بیده‌اند، نباید دست روی دست گذاشت و باید کاری کرد. (همان: ۱۳۲)

میرزا اسدالله خود نیز سرانجام به دنیای عمل وارد می‌شود. او بر مبنای استدلالی ساده از حکمت عملی که باید در بهتر کردن وضع موجود کوشید، اگرچه وضعیت به شکل آرمانی نمی‌رسد، حاضر می‌شود وارد صحنه عمل شود و قاضی حکومت قلندران می‌شود؛ اما صرف نفرت از وضع موجود و تلاش برای اصلاح نمی‌تواند انگیزه‌ای مناسب برای مشارکت در حکومت و مسئولیت جمعی در زندگی اجتماعی، باشد، اما میرزا اسدالله با توجه به روحیه سخت‌کوش خود با تلاش تمام، وضعیت قضا را اصلاح کند.

مجلس هفتم، آخرین مجلس است و در اینجاست که می‌توان به شکلی محزون واقعیت تلخی را دید که نویسنده خود نیز در ۲۸ مرداد آن را تجربه کرده است او به وضوح می‌بیند که چگونه دولت مستعجل قلندران پایان می‌یابد و با خیانت داخلی نهضت شکست می‌خورد، اردوی دربار که به نواحی جنوب رفته بود به شهر باز می‌گردد، توپ‌های قلندرها به سبب خیانت عوامل داخلی شاه و دربار از کار می‌افتد آن‌ها انبار باروت را با انداختن آب نهر به آن از بین برده‌اند و شاه که در ازای دادن ایالات سرحدی، توپ‌هایی از دشمن دریافت کرده است، به راحتی وارد شهر می‌شود؛ افرادی که با قلندران همکاری کرده بودند، کشته می‌شوند. قلندران به هند فرار می‌کنند و میرزا اسدالله در شهر می‌ماند، به این امید که شهید شود البته این توفیق دست نمی‌دهد و با تلاش دایی خود تبعید می‌شود. (همان: ۱۴۷-۱۱۲)

نون و القلم تحلیل یا فلسفه سیاسی نیست و آل احمد نیز نظریه‌پردازی سیاسی نیست، بلکه او به‌عنوان یک روشنفکر که کار او نقد وضعیت سیاسی، اجتماعی فرهنگی

۲۰۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

است، در تحلیلی از زبان میرزا اسدالله دشواری‌ها و چه بسا تناقضات حکومتی اخلاق‌مدار را بیان می‌کند، از نگاه او قدرت برابر با فساد اخلاقی است، مادامی که افراد قادر باشند مشکلات خود را با کدخدامنشی حل کنند، به این معنا که بتوانند خود را به جای یکدیگر تخیل کنند و سپس به شکلی اخلاقی عمل کنند و نهادهای خودجوش اجتماعی نیز آن‌ها را در این راه یاری کنند، شاید بتوان امور بشری را به شکل اخلاقی سروسامان داد؛ اما حکومت و قدرت با اخلاق سازگاری ندارد، اما روشنفکر باید همواره خطاهای حکومت را تصحیح کند. وی باید از منابع قدرت فاصله بگیرد. از طرفی *نون و القلم* به انتقاد از پناه بردن به بیگانگان نیز پرداخته است. هر دو سوی دعوا -حکومت و قلندران- در داستان به بیگانگان پناه می‌برند. قلندران که نمی‌توانند امتیاز چندانی به حکومت سنیان بدهند، از رقیب جا می‌مانند. رقیب در ازای دادن بخش‌هایی از مملکت تنها برای چند ماه از بیگانگان توپ اجاره می‌کند و قلندران هم که تاب ماندن در برابر رقیب را ندارد به هندوستان می‌گریزند. آنان به‌رغم دم زدن از حق و حقیقت، مصلحت را در زنده ماندن خود برای آشکار شدن حق می‌بینند و بدین شکل آل احمد هر دو سوی قدرت را به بیگانگان پیوند می‌زند، آن‌ها نهایتاً تلاش خود برای تأسیس حکومتی عادل را رها کرده و جان خود را نجات می‌دهند. دربار هند اگرچه ندای صلح‌طلبی سر می‌دهد اما مناسبات و مقتضیات خود را دارد و ناچار قلندران را به رعایت این ملاحظات وادار خواهد کرد.

۲,۲,۲ رحله ابن فطومه (سفرنامه ابن فطومه)

رمان عربی در شرایط اجتماعی و ادبی خاصی رشد و نمو کرد و نخستین پیشگامان آن به دنبال ایجاد و احیای هویت عربی بودند که شایسته جایگاه ملت عرب به عنوان ملتی تاریخی باشد، چنانچه مشهور است که رمان عربی از نظر فرم در بستر قالب و محتوای رمان اروپایی رشد کرد، پیشگامان رمان عربی از نظر قالب و مضمون آثار خود متأثر از نمونه‌های غربی بودند (شوقی ضیف: ۲۰۳: ۱۹۹۰). اما هنگامی که استعمار از کشورهای عربی رخت بر بست و علاوه بر تلاش برای جستجوی هویت عربی، توجه به مضامین

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۲۰۳

عربی اصیل در برابر نمونه‌های وارداتی غربی پرداختند، به دنبال مضامین و اصولی رفتند که سیاق و زمینه زمانی و مکانی آن صرفاً عربی باشد.

آثار نجیب محفوظ نیز متأثر از این سبک است، از بارزترین ویژگی‌های روش نجیب، تکیه نویسنده بر روش آمیخته به مکتب واقع‌گرایی سنتی و مکتب شخصی نو است، او به پیشرفت تجربه واقعی در چارچوب فنی نو پناه برده که از این طریق، شناخت باطنی مصر و فضای رمزی و تعبیر از باطن اشخاص مهیا شده است. او در تعبیرهایش، روشی شکوفا همراه با ایجاز، قوت و صلابت دارد (عبدالله، ۱۹۷۱: ۱۵۷).

رمان سفرنامه ابن فطومه (رحله ابن فطومه) در سال ۱۹۸۳ از جمله رمان‌هایی است که نجیب محفوظ در آن‌ها از زبان واقع‌گرایانه خود فاصله می‌گیرد و زبانی نمادین را برای نوشته خود برمی‌گزیند. او در این اثر با بهره‌گیری از میراث ادبی زبان عربی در نوشتن سفرنامه‌ها، این قالب را برای بیان اثر ادبی خود به کار می‌گیرد.

نجیب محفوظ در این رمان، داستان جهانگردی را بیان می‌کند که در وطن خود با دشواری‌هایی روبروست. وطنی که می‌تواند هر جامعه دیگری در حال حاضر هم باشد، در این وطن نیروهای خیر و شر در تضادند و شخصیت اصلی داستان چون چشم باز می‌کند به وضوح می‌بیند که اگرچه قوانین رایج در شکل درست خود مبتنی بر عدل، مساوات، رحمت و مهربانی و در یک کلام «خیر» است، اما در وطن او بیشتر امور «شر» است که برتری دارد، قهرمان داستان چون وضعیت را این‌گونه می‌بیند به دنبال راه‌حلی است و به دلیل حوادث ناگواری که بر او گذشته است بر آن می‌شود تا به جستجوی حل مسائل وطن خود به دیاری برود که گفته می‌شود در آنجا تمام امور و اصول به شکلی درست و خیر برقرار است (محفوظ، ۱۹۸۳).

۲۰۴ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

او در حین سفر خویش از سرزمین‌های مختلفی دیدار می‌کند که تمدن، دین و اندیشه‌های مختلفی را دارا هستند، او تمام این سرزمین‌ها و امور یادشده را با دقت بررسی می‌کند و ویژگی‌های آن را در دفتر ثبت می‌کند و آن را با اعتقادات خود و وضعیت دیار اسلامی خود مقایسه می‌کند تا مگر چیز ارزشمندی برای وطن خویش و مشکل آن به ارمغان ببرد.

اندیشه سفر در ذهن قهرمان داستان، با سخن معلم او شیخ مغاغه الجبیلی شکل می‌گیرد، شیخ خود به سرزمین‌ها فراوانی سفر کرده است، اما در رسیدن به مدینه فاضله ناکام بوده است، این سرزمین که در الجبل نام دارد، سرزمین آرمانی است، اما راه رسیدن به آن دشوار است و خود سرزمین نیز در هاله‌ای از راز و رمز پیچیده است، زیرا تاکنون هیچ فردی دیده نشده است که آنجا را دیده باشد اما سخن درباره آن بسیار است و گفته می‌شود که در آن عدل و خیر و سعادت برای تمام انسان‌ها حاصل شده است و در آن شری نیست، قهرمان داستان بنا به این شرح بر آن می‌شود تا از آن سرزمین دیدن کند و نخستین فردی است که از آن سرزمین دیدن می‌کند و به دیار خود باز می‌گردد. نجیب محفوظ در توصیف وطن، به امور بنیادی در زمینه اجتماعی، فکری و دینی می‌پردازد این امور است که شخصیت قهرمان را شکل می‌دهد.

محفوظ از خانواده آغاز می‌کند که نمادی از جامعه و هسته اولیه تشکیل آن است. قنديل قهرمان داستان، فرزند تاجری ثروتمند است، پدر او تاجر غله بوده است، در پیری مادر زیبای او فطومه الازهری را می‌بیند و عاشق او می‌شود، مخالفت خانواده او نمی‌تواند مانع ازدواج با فطومه شود و بعد از آن قنديل متولد می‌شود اما برادران بزرگ‌تر او را ابن فطومه می‌نامند که به نوعی تحقیر و تبری جستن از نسبت برادری با اوست. (نجیب محفوظ، ۱۹۸۳: ۷) قنديل ثروت فراوانی از پدر به ارث برده، هنگامی که زمان آموزش او می‌رسد شیخ مغاغه الجبیلی برای تعلیم او انتخاب می‌شود. او در مواجهه با شیخ، گمان می‌برد که منبع نور و عقل را یافته است و اوست که تاریکی جهل را برطرف می‌کند و

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب‌محموظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۲۰۵

مسیر زندگی او را روشن می‌کند، شیخ مغاغه است که واقعیت اسلام را به او می‌آموزد و در ذهن ابن فطومه نمونه‌ای آرمانی از اسلام را شکل می‌دهد که در تعالیم آمده است اما او واقعیت موجود را با نمونه آرمانی در مخالفت می‌بیند. به این دلیل در ذهن ابن فطومه شکافی میان واقعیت و امر آرمانی در زمینه دین، اخلاق و جامعه شکل می‌گیرد.

آنچه او در عمل مشاهده می‌کند متفاوت است. روابط اجتماعی دور از عدالت و انصاف است و افراد در آن آزادی ندارند او در خانواده خود دیده بود ظلم و بهتان چگونه رواج دارد و از آنجایی که هویت اجتماعی فرد در آن شکل می‌گیرد، جامعه نیز از این رذایل انباشته است. او از ابتدای زندگی خود جز ظلم و تبعیض ندیده است، اما دو حادثه بزرگ دیگر نیز زندگی قهرمان داستان را به کلی دگرگون می‌کند و او را برای سفری به قصد اصلاح وطن مصمم‌تر می‌سازد. نخستین آن‌ها از دست رفتن معشوق و همسر ابن فطومه است او در ابتدا جوانی حلیمه دختر مؤذن نابینا را می‌بیند و سخت به او دل می‌بازد، مادر که خود زمانی ازدواجش خلاف عرف بوده است در ابتدا مخالف است و بر آن است که برای قنديل از خانواده تاجران سرشناس و یا سایر اشراف همسری اختیار کند، اما با اصرار قنديل سرانجام راضی به ازدواج او با حلیمه می‌شود؛ اما قدرت حاکم در جامعه که در شخصیت حاجب سوم والی تجلی یافته، نیز خواهان حلیمه است، پس پدر حلیمه به ناچار او را از ابن فطومه جدا می‌کند و به عقد حاجب سوم والی درمی‌آورد، او این‌گونه ظلم عریانی را تجربه می‌کند که متوجه شخصی‌ترین وجوه زندگی فرد است. او تلخی این ظلم را با تمام وجود لمس کرد، حاجب سوم والی پس از طلاق گرفتن اجباری حلیمه از ابن فطومه او را همسر چهارم خود ساخت، (همان: ۱۸) از طرفی شیخ مغاغه که ابن فطومه او را منبع خیر می‌دانست با فطومه مادر او ازدواج کرد، از این‌رو او به کلی از تمام آنچه در سرزمین خود داشت، یأس و ناامیدی او را در برگرفت و هر آنچه

۲۰۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

را می‌دید خیانت را در آن مشاهده می‌کرد، «دین، مادرم، حلیمه و. به من خیانت کردند، لعنت خدا بر این سرزمین شوم باد» (همان: ۱۸)

این بحران‌ها او را مصمم به سفری کرد که شیخ مغاغه بذر توجه به آن در ذهن او نهاده بود؛ او از دارالجبیل به عنوان آرمان‌شهری یاد کرده بود که در آن خیر و سعادت بشر تحقق یافته و برقرار است و او را پند می‌دهد که سرزمین‌های اسلامی را وانهد زیرا «آن‌ها همه در احوال، شیوه و روش‌ها مانند هم و دور از روح اسلام راستین هستند، اما در صحرای جنوبی سرزمینی غریب را خواهی یافت» (همان: ۹) با ستمی که ر او رفته بود دریافت که دیگر ماندن در وطنش برای او ممکن نیست، مادر قنديل و استادش در ابتدا سعی در منصرف کردن او دارند، اما با اصرار قنديل ناچار رضایت می‌دهند و شیخ مغاغه کاروان‌سالاری به نام غانی بن حمدیس را برای سفر به ابن فطومه معرفی می‌کند، برمبنای برنامه قافله هرگاه به دیاری جدید رسید، ده روز در آن توقف می‌کند، شیخ مغاغه، ابن فطومه را نصیحت می‌کند که برای گشت‌وگذار و آشنایی همان ده روز کفایت می‌کند و قرار بر این می‌شود که با همان قافله به سفر برود و بازگردد. (همان: ۱۲) ابن فطومه بر آن است تا با فاصله گرفتن از سرزمین خود آن را از دور ببیند تا مشکلات آن را بهتر ببیند و بتواند سخنی حق برای آن به ارمغان بیاورد. با این نیت او قدم در راه سفر می‌گذارد تا آرزوی خود یعنی رسیدن به مدینه فاضله و آرمان‌شهر دارالجبیل محقق سازد.

این سفر سفری نمادین است و به نظر می‌رسد نجیب محفوظ سیر تمدنی نوع بشر را در این سفرها منعکس کرده است، سیری که از مرحله‌ای بدوی آغاز و به تمدنی پیشرفته کنونی رسیده است، نخستین سرزمینی که او از آن دیدار می‌کند، مشرق است، در این سرزمین هنوز مبانی تمدن شکل نگرفته است و همه چیز شکلی بدوی دارد، ابن فطومه نظام اجتماعی آن سرزمین را بررسی می‌کند، مردم آنجا چه زن و چه مرد همه عریان هستند، اثری از قصرها و بناهای رفیع در آن دیار نبود، بلکه خیمه‌های کوچکی در گوشه و کنار پراکنده بود و دیگر زمین‌ها همه چراگاه‌هایی بودند که بز و گاو بر آن می

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب‌محموظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۲۰۷

چریدند وزنان عریان جلو خیمه‌ها به دوشیدن بز و گاو یا رشتن پشم مشغول بودند (همان: ۲۹) روابط اجتماعی در میان آن‌ها هنوز شکل نگرفته بود و روابط جنسی میان همه آزاد بود و آن‌ها لاقیدانه به آن می‌پرداختند. برهنگی را می‌توان نشانه‌ای و نمادی از بدویت دانست. نظام دینی دارالمشرق نیز مبتنی بر تصوراتی ساده بوده آن‌ها ماه را می‌پرستیدند و به نظر می‌رسد نجیب در این مرحله از دینی بدوی و مادی سخن می‌گوید که فاقد جنبه‌های روحی و معنوی است، چنانچه در مناظره بین ابن فطومه و کاهن ماه، از او می‌پرسد که او مردی حکیم است چرا ماه را می‌پرستد و تصور می‌کند که او خداست، کاهن در جواب می‌گوید: ما او را می‌بینم اما آیا شما خدای خود را می‌بینید؟ ابن فطومه در جواب می‌گوید که او یعنی خدای ما نامحسوس است و از این‌رو کاهن قمر به او می‌گوید چنین خدایی هیچ است. (همان: ۴۷) درباره نظام حکومت در دارالمشرق ابن فطومه مشاهده می‌کند که در آنجا نیز تبعیض بسیار زیادی میان مردم عادی و سادات و بزرگان است، مردم عادی برده‌اند، اما فرزندان حاکم شهر، اسب‌سواری و جنگاوری را می‌آموزند و در مورد خدای ماه، دانش اندکی می‌آموزند، در هر قصری طبیعی از دارالحیره و یا دارالحلبه که سرزمین‌هایی آبادترند، حاضر است، اما انسان‌های عادی هنگامی که به بیماری دچار می‌شوند، گوشه‌نشین می‌شوند و به حال خود وانهاد می‌شوند تا آنکه یا بهبود یابند و از دنیا بروند (همان: ۲۴) و سروران در آن شهر مالک همه چیز هستند. (همان: ۴۶) ابن فطومه در مشرق عاشق زنی به نام عروسه می‌شود؛ و به شیوه رایج در آنجا بدون ازدواج با او زندگی می‌کند، قافله غانی بن حمدیس می‌رود اما می‌ماند و دارای فرزندان می‌شود اما ارتباط آن‌ها به دلیل طولانی مدت شدن در نزد مردم دیار مشرق به انحراف تعبیر می‌شود و هنگامی که قصد دارد تا فرزندان خود را به شکلی اسلامی تربیت کند، این امر کفر تلقی شده و او به سبب مسخره کردن دین دارالمشرق اخراج می‌شود. او اندیشه دینی وطن خود را نقد می‌کند اما اسلام را فاقد اشکال می‌داند

۲۰۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

در نهایت به این نتیجه می‌رسد که دینی که او و مردم وطنش به آن گردن نهاده‌اند، دینی عظیم است اما زندگی او و هم‌وطنانش نه مطابق با اسلام بلکه بت‌پرستانه است.

او سپس با قافله‌ای از آن دیار می‌رود و به دارالحیره می‌رسد، در این دیار است که او برای اولین بار در خارج از وطن خود با تمدنی دیگر مواجه می‌شود، (همان: ۶۰) با وجود تمدن، روابط و مناسبات در دارالحیره مبتنی بر نظامی آهنین و بی‌رحم است، نظام مالیات، بیمارستان‌ها، مدارس، سراها، نظمیه، اماکن فسق و فجور و بازارها و دکان‌ها برقرار است، (همان: ۶۳) این سرزمین بیشترین مشابهت را با دیار اسلام دارد ولی دین دیگری دارد، مردم دارالحیره پادشاه را می‌پرستیدند، قدرت نیز به‌طور کامل و مطلق در دست پادشاه است، اوست که از میان خاندان سلطنتی که تقدس دارد برگزیده می‌شود و او از میان برگزیدگان، رهبران اجتماعی در رده‌های پایین‌تر را انتخاب می‌کند. (همان: ۶۸) به نظر می‌رسد که نجیب محفوظ در این مرحله تمدنی بالاتر یعنی سلطنت مطلقه را به‌عنوان مرحله متقدم در تمدن پس از تمدن بدوی می‌داند و با زبانی نمادین از آن سخن می‌گوید، تمدن و نظام حکم در کشورهای اسلامی بدون لحاظ کردن دین نیز همین وضعیت را داراست.

در این سرزمین عدل و سعادت جامعه به بهای قساوت در مجازات متخلفین و سرکشان به دست می‌آید، ابن فطومه در گردشی که به همراه دیزج حکیم دارالحیره دارد، سرهای بریده‌ای را می‌بیند که از ستون‌های بزرگ آویزان هستند. (همان: ۶۴) ابن فطومه تصویری محو از چنین منظره‌ای در سرزمین خود نیز به یاد دارد که در کودکی آن را مشاهده کرده است. قتل آن‌ها به دلیل شورش علیه خداوند یعنی پادشاه است یا اینکه آن‌ها منحرف هستند، اما ابن فطومه که پیش‌تر نیز چنین تهمت‌ها و برچسب‌هایی را در دیار خود شاهد بوده است حقیقت را از ورای سخن اهل قدرت درمی‌یابد آن‌ها به سبب منافع خود جنایتی در حق این افراد انجام داده‌اند، ابن فطومه پس از سخنان دیزج حکیم

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب‌محموظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۲۰۹

با خود می‌گوید «من یقین دارم که این سرها از آن شهدای عدالت و آزادی است.» (همان: ۶۵)

در این ایام است که جنگی بزرگ میان دارالحیره و دارالمشرق در می‌گیرد، در واقع پادشاه و هیئت حاکم دارالحیره به سبب طمع خویش برای داشتن سرزمین‌ها، رعایا بردگان بیشتر به خاک درالمشرق چشم طمع دارند. پس از وقوع جنگ حاکم دارالمشرق نیز در جنگ کشته می‌شود، دیار مشرق به تصرف حیره درمی‌آید، علیرغم اینکه از قول هام صاحب کاروانسرا می‌شنود که این جنگ برای آزادی بندگان بوده است به زودی می‌شنود که اسرا در بازار کنیزان به فروش می‌رسند، او که پیش‌تر همسر سابق خود «عروسه» را در صف اسرا دیده بود خوشحال می‌شود اما می‌پرسد که مگر این جنگ برای آزادی بندگان نبوده است، اما هام در جواب می‌گوید که این اسرا، زن هستند و آن‌ها را حکایتی دیگر است، (همان: ۷۲)

ابن فطومه خوشحال از دیدن عروسه به قصد خریدن او به بازار می‌رود اما دیزج حکیم نیز مشتری عروسه است، از این رو او دوباره خود را با قدرت درگیر می‌بیند، اینجا نیز عروسه به دیزج می‌رسد و او از جانب دیزج متهم به تمسخر دین اهل حیره می‌شود و به خاطر این جرم محکوم به زندان ابد می‌شود. او بیست سال در زندان می‌ماند و سرانجام خویشاوندان شاه بر او می‌شورند و او را به قتل می‌رسانند دیزج حکیم به زندان می‌افتد و او از زندان رها می‌شود.

در ادامه سفر به درالحلبه می‌رسد که به نوعی آن را باید نمادی از تمدن سرمایه‌داری غربی دانست، او به حلبه پایتخت این سرزمین وارد می‌شود و آن را شهری بزرگ می‌بیند که فرد در آن محو می‌شود و کسی به فرد التفات ندارد، (همان: ۸۸ و ۹۰) شهر پر از خیابان‌ها، عمارات، کارخانه‌ها و سراهای بزرگی است و مردم از هر صنفی در آن به

۲۱۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

زندگی مشغول‌اند، اگرچه اختلاف طبقاتی وجود دارد، اما تمام مظاهر رفاه مانند مدارس و بیمارستان‌های رایگان نیز وجود دارد و همه از نظر امکانات در سطحی عالی هستند، اما در این شهر قتل، انحراف‌های جنسی و روانی، اباحه‌گری و بیکاران نیز بودند. ادیان مختلفی در حلبه رایج بود اما دینی رسمی وجود نداشت. مسلمانان نیز در این شهر وجود داشتند، ابن فطومه با رهبر مسلمانان در این سرزمین یعنی شیخ حماده سبکی ملاقات می‌کند او به‌نوعی اصلاحگران دینی عصر حاضر را تداعی می‌کند.

شیخ در مورد زنان نگاهی متفاوت از نگاه رایج در دیار اسلامی ابن فطومه دارد در نگاه او ایرادی ندارد که زن‌ها نیز به آزادی بیرون از خانه بروند و در کنار مردان کار کنند، علاوه بر این او با جنبه دیگری از تفاوت نیز مواجه می‌شود، بر سر مسئله‌ای میان هر دو اختلاف به وجود می‌آید و شیخ نظری متفاوت از نظر فقهی دارد و بیان می‌کند که اجتهاد در نزد ما متوقف نشده است و بنا به مصلحت و مقتضای زمانه نظر خود را داریم.

نظام حکومتی در این سرزمین مبتنی بر انتخابات است، رئیس دولت که دارای صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و سیاسی است، برای ده سال انتخاب می‌شود و بعد از این مدت برکنار می‌شود، نظامی دموکراتیک که مشابه نظام حکومت دولت‌های سرمایه‌داری غربی است.

تمدن حلبه مبتنی بر علم است شیخ بیان می‌کند که دین در سرزمین ما «خدای آن عقل است و رسول آن آزادی است» (همان: ۱۰۷) و این امر را می‌توان نکته بنیادی سکولاریسم و دموکراسی در اندیشه غربی امروز دانست، اگرچه این سرزمین نیز به دلیل وجود، جنایت و انحراف و فقدان عنصر معنوی در زندگی آرمان‌شهر مطلوب او نیست. در ادامه سفر به دارالامان می‌رسد که می‌توان آن را نظامی سوسیالیستی دانست، در این سرزمین تلاش بر آن است تا عدالت در میان بشر تحقق یابد، هر فرد به اندازه توان خود در این سرزمین کار می‌کند و به‌اندازه نیازمندی خود دریافت می‌کند، از آنجایی که تمام

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۲۱۱

مردم در این سرزمین یکسان‌اند در حق هیچ‌کس ظلمی نیست و نیازمندی‌های اساسی زندگی برای همه موجود است، از جمله مسکن و سایر وسایل معیشت به یکسان در اختیار همه است. (همان: ۱۲۹) ساختمان‌ها به همدیگر شبیه بودند، مزد به تناسب کار تغییر می‌کرد اما کمترین مزد افراد برای رفع احتیاجات فرد به شکل آبرومندانانه کفایت می‌کرد، حکومت سعی داشت تا برای هر فرد فضای مناسب فراهم آورد، پارک‌های بزرگی برای سالمندان وجود داشت تا ایام پیری خود را در آن بگذرانند، کودکان در مدرسه بودند و کارگران نیز در کارخانه‌ها از امکانات تفریحی برخوردار بودند. در این توصیف می‌توان به وضوح فلسفه مادی، نظم سوسیالیستی و کمونیستی را دید که سعی در افزایش تولید دارد زیرا اقتصاد را زیربنا و سایر امور را روبنا می‌داند. زندگی فرد جز در سایه جمع معنا ندارد، مصلحت هر فرد را، مصالح جامعه تعیین می‌کند. از این رو جای تعجب نیست که در این سرزمین خبری از آزادی نیست، همان‌طور که حکیم آن دیار به ابن فطومه می‌گوید. «به طبیعت بنگر، اساس آن قانون و نظام است نه آزادی» (همان: ۱۳۶) ابن فطومه درمی‌یابد که در این سرزمین نظارت امنیتی شدیدی بر آزادی‌های شخصی وجود دارد و از آنجایی که او مسافر و جهانگرد است مأموری به نام فلوکه همیشه مانند سایه به دنبال اوست. (همان: ۱۲۷)

با وجود تحسین دارالامان توسط ابن فطومه در وهله اول او به زودی جانب دیگر این امر را نیز کشف می‌کند. میان شعارهای سوسیالیستی و برابری و واقعیت سازگاری وجود ندارد. وضعیت طبقه حکمران به وضوح برتر از کارگران و دیگران است، (همان: ۱۳۸) و هرکس که ندایی از آزادی سر دهد به شدت سرکوب می‌شود، فلوکه از ابن فطومه می‌پرسد آیا منظره سرهای بریده او را آزرده است، حق دارد، ولی این امر ضرورتی است

۲۱۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

که چاره‌ای دیگر برای آن نیست، در دارالامان، جایی برای دخالت فرد در اموری فرای حدود او وجود ندارد. (همان: ۱۴۰)

او از دارالامان نیز به سوی مغرب می‌رود تا سرانجام به دیار مطلوب خود یعنی دارالجبل برسد، در این بخش است که نجیب محفوظ در توصیف آرمان‌شهر خود به نوعی تصوف متمایل می‌شود، برخلاف تصوفی که در *نون و القلم* و در فعالیت قلندران بازتاب می‌یافت و تصوفی با صبغه اجتماعی و نهاد محور بود، تصوف مطرح شده توسط محفوظ، فرد محور و متأثر از نگاه متصوفه به وجود است، این امر است که مبنای او در بنای مدینه فاضله و آرمان‌شهر قرار می‌گیرد. قهرمان داستان درمی‌یابد که در این دنیای مادی امکان رسیدن به چنین آرمان‌شهری وجود ندارد و رفته‌رفته باید از ماده و نقصی که با آن همراه است، جدا شود تا به کمال برسد، ماده حجابی است که انسان را از حقیقت وجود و خداوند بازمی‌دارد، اما از سویی دیگر از ماده نمی‌توان فرار کرد، زیرا ماده اساس درک حواس و به تبع آن عقل انسان است و از این رو باید برای کامل کردن معرفت خویش به بعد دیگری نیز متوسل شد و این بعد، عبارت است از تأمل باطنی و روحانی تا با این تأمل، کنه وجود را درک کرد و به شکلی دیگر آن را فهم کرد، حقیقتی که حجاب مادی آن را مشوب نکرده است.

ابن فطومه به دارالغروب می‌رود تا در آن سرزمین آماده رسیدن به دارالجبل یا سرزمین کمال شود، در دارالغروب دیوار و برج و بارو و یا خراج خواهی وجود ندارد. (همان: ۱۴۹) ابن فطومه هوایی ملایم و سرزمینی آرام را در آنجا می‌یابد، اما چشم ابن فطومه به سرای و کاخی نمی‌افتد، (همان: ۱۴۶) و با افرادی ملاقات می‌کند که به مراقبه و ریاضت مشغول‌اند تا به درجه بریدن از جهانی مادی برسند که آن‌ها را احاطه کرده است و آماده سفر به «دارالجبل» شوند. وی در آن سرزمین استادی روحانی را ملاقات می‌کند که سعی دارد تا با آموزش مراقبه همراهی با حق و بریدن از خلق، زندگی جدیدی را در افراد خلق کند. (همان: ۱۵۰) این امور را می‌توان جوهر تعالیم متصوفه دانست،

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۲۱۳

شیخ در دارالجبل آشکارا روش‌های تصوّف را در پرورش افرادی که به نزد او می‌آیند به کار می‌گیرد. نخستین راه در آرامش، توانایی تمرکز کامل است، چنین مراقبه‌ای است که انسان را وامی‌دارد تا در بحر اندرون خود به غوص و تأمل بپردازد و با این وسیله است که مودت میان انسان و وجود محکم می‌شود. (همان: ۱۵۵) علاوه بر برکشیدن نیرویی که در درون انسان نهفته است و آن را باید نیروی اراده دانست، امری که انسان را در استفاده از قوای معنوی و روحی توانا می‌سازد، در نهاد اوست و این امر انسان را به راه حق و خیر رهنمون می‌سازد؛ و وقتی که سالک از راه ذوق و عرفان به این درجه از کشف و وصل روحانی می‌رسد، آماده سفر به دیاری است که در آن عدل، آزادی و رفاه کامل در عالی‌ترین درجه خود موجود است. (همان: ۱۵۵)

نجیب محفوظ در انتهای رمان در کنار نگاهی که بیان می‌کند، تأمل صوفیانه و بریدن از عالم ظاهر، امری دیگر را نیز وارد می‌کند، همان‌طور که در نون و القلم علاوه بر دشواری‌های ذاتی حکومت عاملی خارجی نیز قلندران را واداشت تا سرزمین خود را ترک کنند، در این مرحله میان دارالامان و دارالحلبه جنگی در گرفته است و سپاه دارالامان، دارالغروب را اشغال می‌کند و تمام ساکنین را از آنجا می‌راند، این امر را می‌تواند به شکلی نمادین جدال میان فلسفه مادی و فلسفه روحی دانست، بدون آنکه نقش عقل نادیده گرفته شود. فرمانده سپاه دارالامان، ساکنین را میان ماندن و رفتن به سوی دارالجبل مخیر می‌کند، اگر آن‌ها می‌خواهند در دارالغروب بمانند، باید همانند سایرین به کشت و زرع بپردازند و به انسان‌های عادی بدل شوند، هرگونه تلاش برای آزادی نیز با مجازات مواجه خواهد شد، در غیر این صورت قافله‌ای برای سفر به دارالجبل برای آن‌ها محیاست. (همان: ۱۵۷)

۲۱۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

آن‌ها بدون اینکه آمادگی کامل را کسب کرده باشند، به سوی دارالجبل رهسپار می‌شوند به سوی کوهستان می‌روند تا آنکه بعد از سه هفته به دامنه کوهی بلند می‌رسند و از آنجا دارالجبل هویداست، اما وقتی به سوی آن می‌روند دشتی عظیم میان آن‌هاست و ماه‌ها در آن راه می‌پیمایند تا به جایی می‌رسند که دیگر قافله‌ای امکان سفر ندارد و شیخ می‌گوید هر که می‌خواهد سفر را با پای پیاده ادامه دهد و هرکسی توان راه پیمودن را ندارد، بازگردد، قهرمان داستان در اینجا درمی‌یابد که شاید سفر او را بازگشتی نباشد از این‌رو تمام دفاتر خود را که مشاهدات و تحلیل‌های خود را در آن ثبت کرده است به قافله‌سالار می‌دهد تا آن‌ها را به مادرش یا امین دارالحکومه بدهد و بر آن می‌شود تا مشاهدات خود از دارالجبل را در دفتر جداگانه ثبت کند، به همراه دفترها صد دینار نیز به قافله‌سالار می‌دهد و او را وداع می‌کند و به سوی دارالجبل رهسپار می‌شود. (همان: ۱۵۷)

در انتهای داستان خواننده از قول نویسنده درمی‌یابد که آنچه تاکنون خوانده است، همان دفترهایی است که سفرنامه قنديل محمد العنابی مشهور به ابن فطومه را تشکیل می‌دهد، اما اینکه آیا او به دارالجبل رسیده است یا خیر؟ آیا در آنجا مانده است یا خیر؟ آیا به سرزمین خود بازگشته است یا خیر؟ آیا روزی به نسخه‌ای دیگر از سفرنامه او دست خواهیم یافت؟ پاسخ این پرسش‌ها را جز خداوند کسی نمی‌داند. (همان: ۱۵۸)

۳. نتیجه‌گیری

همان‌طور که در ابتدا گفته شد، اتوپیاها، طرح‌هایی ذهنی و تصویرهایی ایدئال از دنیای به نسبت بهتر هستند. اتوپیاها دربرگیرنده تفسیرها و تعبیرهای تجربی و عقلانی اوضاع اجتماعی موجود نیستند، بلکه ایده آل‌های انتزاعی ذهنی هستند که هیچ‌گونه اقدام عملی را برای رسیدن به واقعیت ملموس تضمین نمی‌کنند، به‌وضوح می‌توان دید که هم آل احمد و هم محفوظ در دو اثری که در اینجا معرفی و شرح داده شد، علیرغم اشاره نمادین و تمثیلی به وضعیت واقعی اجتماعی که در آن زندگی می‌کردند و بحران‌های

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی) ۲۱۵

سیاسی و اجتماعی موجود در آن، در عمل به دنبال تفسیر و تحلیل عقلانی از وضعیت موجود نیستند، در هر دو اثر در وصف اجتماع تنها مطالبی کلی بیان می‌شود که می‌توان آن‌ها را از مشهورات دانست: فقدان عدل، ظلم، استفاده طبقه حاکم از امکانات در راستای منافع خود، ناسازگاری شعارها و مطلوب‌های کلامی با واقعیت عملی اموری هستند که این دو نویسنده در وصف اجتماع گفته‌اند. آن دو ایده‌آلهایی ذهنی ارائه می‌کنند که هیچ گام عملی برای رسیدن به وضعیت مناسب در واقعیت بر نمی‌دارند. هیچ طرح مناسبی برای عمل ارائه نمی‌شود و در نهایت هر دو به شکلی از تلاش ناامید می‌شوند، قهرمان داستان *نون و القلم* یعنی میرزا اسدالله معتقد است که هیچ حکومتی نمی‌تواند با اخلاق سازگاری داشته باشد و از این رو تنها با تمسک به آرمان و در نهایت شهادت است که صاحب‌قلم می‌تواند رسالت درست خود را عملی کند، این فطومه قهرمان داستان نجیب نیز پس از دیدن سرزمین‌های مختلف به این نتیجه می‌رسد که اساس حکومت یعنی تمرکز قدرت در دست عده‌ای سبب خواهد شد تا همیشه نقصی در اجتماع باقی باشد و در نهایت به شکلی از تصوّف روی می‌آورد که نهایت آن بریدن از عالم مادی و در واقع نوعی مرگ و هجرت از دنیای جسمانی است، داراجبل که پس از دارالغروب قرار دارد و در ماورای کوه‌هایی بزرگ است، در واقع جهانی فرا مادی است که هر انسانی تنها با برگزیدن از ماده می‌تواند به آن برسد.

در مجموع، شباهت‌هایی میان این دو اثر در حوزه تصوّف و نمادگرایی به شرح

زیر وجود دارد:

تصوّف: در هر دو اثر یادشده از تصوّف یاد می‌شود. تصوّف در اثر نجیب محفوظ در انتهای داستان مطرح می‌شود و جنبه‌ای فردی دارد، سالک راه آرمان‌شهر باید از قید امور مادی‌رهایی یابد حال‌آنکه در اثر آل احمد، تصوّف یادشده جنبه اجتماعی دارد و از ابتدا

۲۱۶ *دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب‌محمفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

یکی از رکن‌های مهم روایت آل احمد است، این تصوف همانند سایر افکاری که جنبه عملی و اجتماعی می‌یابند ناچار به ضرورت‌های عملی تن می‌دهد و فساد نیز در آن رخنه می‌کند. قهرمان داستان آل احمد را می‌توان صوفی واقعی دانست که از بند تعلقات مادی جسته است، او اگرچه به حکم وظیفه اخلاقی خود به کسب‌وکار برای گذراندن زندگی خانوادگی خود می‌پردازد اما در واقع تعلق مادی ندارد و تمام پیشنهادهای نامشروعی را که به او ارائه می‌شود رد می‌کند. وارستگی را می‌توان وجهه مشترک دو قهرمان دانست که نهایتی جز مرگ و بریدن از دنیای مادی و چشم‌پوشی از دنیا و لذت‌های آن ندارد.

در زمینه زبان اثری که به کاررفته است دو اثر متفاوت هستند، نجیب محفوظ متأثر از میراث ادبی عربی در نوشتن سفرنامه‌ها (الرحلات) است، حتی نام اثر او یادآور سفرنامه ابن بطوطه است، او در این اثر از زبانی ادبی و نمادین بهره می‌گیرد که به زیبایی آراسته شده است و این امر را می‌توان در راستای سبک نوشتاری او در سایر آثار دیگرش دانست. آل احمد در نوشته خود از زبانی عامیانه بهره می‌گیرد که متأثر از افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه فارسی است و از زبان ویراسته و ادبی فارسی فاصله دارد این امر با توجه به زبانی که آل احمد در سایر نوشته‌های خود در به کار می‌برد قابل درک است.

نمادگرایی: هر دو نویسنده در آثار یادشده از واقع‌گرایی فاصله گرفته و به شکلی نمادین و تمثیلی متوسل می‌شوند. هر دو داستان در زمانه‌ای دور از دوران معاصر روی می‌دهد و شخصیت‌های مطرح شده دور از انسان معاصر در مصر و ایران است بلکه به دورانی دور تعلق دارد؛ اما خواننده آشنا با تاریخ و فرهنگ عامه، قادر به درک فضای مطرح شده در داستان‌هاست و در خواندن داستان غرابتی به او دست نمی‌دهد. فضای نمادین و تمثیلی ایجادشده توسط آل احمد صراحت بیشتری دارد و او گاه به سیاق سایر نوشته‌های خود از ادب پذیرفته شده در عرف کنونی، تخطی می‌کند و زبانی صریح را به کار می‌گیرد

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اوّل: عباسی) ۲۱۷

حال آنکه محفوظ به سیاق عمده آثارش، در نوشته خود زبانی مؤدبانه را به کار می‌گیرد که در آن ناسزایی وجود ندارد.

کتاب‌نامه

- آل احمد، جلال (۱۳۸۳)، *نون و القلم*، تهران: گهید.
- آل احمد، جلال (۱۳۸۵)، *غرب‌زدگی*، اصفهان: نشر خرم.
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱)، *آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نشر نی.
- افشار، حمیدرضا (۱۳۹۱)، «آرمان‌شهر در اندیشه سیاسی غرب و بازتاب آن در تئاتر معاصر»، *فصلنامه مشرق موعود*، س ۶، ش ۲۱، صص ۴۷-۶۴.
- الدسوقی، عمر (۱۹۷۳)، *فی الأدب الحدیث*، قاهره: دار الفکر العربی.
- السکوت، حمدی (۱۹۸۵)، «نجیب محفوظ و الحل الصوفی»، *مجله الف*، ش ۵، ربیع،
- پارسا، سید احمد و حاجی، سعدی (۱۳۹۲)، «رابطه‌ی کارکردهای زبانی با تیپ‌های شخصیتی در داستان نون و القلم»، *فصلنامه فنون ادبی*، ش ۲، صص ۲۱-۳۴.
- شوقی، ضیف (۱۹۹۰)، *الادب العربی المعاصر فی مصر*، قاهره: دارالمعارف.
- صدیقی، علی‌رضا (۱۳۸۸)، «بومی‌گرایی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی معاصر ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)»، *نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱۵، صص ۹۵-۱۱۶.
- عارف حسینی، سید محمد (۱۳۸۲)، *نیک‌شهر قدسی: نقادی چهار الگو از جامعه آرمانی اندیشمندان غرب و مقایسه آن‌ها با جامعه آرمانی حضرت مهدی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.*
- عبدالله، محمد حسن (۱۹۷۱)، *الواقعیة فی الروایة العربیة*، قاهره: دارالمعارف.
- عمر عبدالعزیز، عمر (۱۹۸۹)، *دراسات فی تاریخ المصر الحدیثه و المعاصر*، اسکندریه: دارالمعرفة الجامعیة.
- محبی، سعید (۱۳۸۷)، «ن و القلم: رساله‌ای در نقد قدرت»، *مجله یادآور*، ش ۳، صص ۱۴۰-۱۴۳.
- محفوظ، نجیب (۱۹۸۳)، *رحله ابن فطومه*، قاهره: دارالمصر للطباعة.

۲۱۸ دو فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب محفوظ، با بررسی نقش تصوف در دو داستان ... (نویسنده اول: عباسی)

- محمود عثمان، فاطمه (۲۰۰۴)، «توظیف الصوفیه فی الروایة المصریه. اطروحة لنیل درجة الماجستير»، قاهره: جامعة المینا

- موحدی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی نامه پولوس رسول به کاتبان: مرآنامه ای از جلال آل احمد»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۲، صص ۹۵-۱۱۲.

- مور، تامس (۱۳۷۳)، *آرمانشهر (یوتوپیا)*، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشار نادری، تهران: خوارزمی.

- میرزایی، فرامرز و امیریان، طیبه (۱۳۹۶)، «زبان هنری در منظومه منطق الطیر عطار و سفر نامه ابن فطومه نجیب محفوظ»، *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ش ۱، صص ۱۵-۴۳.

References:

- Abdullah, Muhammad Hassan (1971), *Reality in Arab Narrative*, Cairo: Dar al-Ma'arif . (in Arabic).
- Afshar, Hamidreza (2012), "Utopia in Western political thought and its reflection in contemporary theater", *The Mashregh Mawud*, Vol 6, No. 21, 47-64. (in Persian).
- Al-Ahmad, Jalal (2004), *Noon Wal Qalam*, Tehran: Gahbad pub. (in Persian).
- Al-Dusuqi, Omar (1973), *On Hadith Literature*, Cairo: Dar Al-Fikr Al-Arabi. (in Arabic).
- Aref Hosayni, Seyed Mohammad (2003), *Nikshahr Ghodsi: A Critique of Four Models of the Ideal Society of Western Thinkers and Comparison with the Ideal Society of Hazrat Mahdi*, Qom: Islamic Research Center, Radio and Television.
- Asil, Hojjatolla (2002), *Utopia in Persian Thought*, Tehran: Nay Pub. (in Persian).
- Mahfouz, Najib (1983), *The Journey of Ibn Fatuma*, Cairo: Dar al-Misr for printing. (in Arabic).
- Mahmoud Uthman, Fatima (2004), "Use of Sufism in the Egyptian tradition. A thesis submitted for Master's Degree", Al-Mina University. (in Arabic).

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، اندیشه سیاسی آرمان‌شهری در آثار جلال آل احمد و نجیب‌محمفوظ، با بررسی نقش تصوّف در دو داستان ... (نویسنده اوّل: عباسی) ۲۱۹

- Mirzaei, Faramarz; Amirian, Tayyeba (2017), "Artistic language in Attar's poem" The Logic of the Bird "and" Ibn Fatumeh's Travelogue "by Najib Mahfouz", *Comparative Literature Research*, Vol. 5, No.1, pp. 15- 43. (in Persian).
- Mohebbi, Saeed (2008), "Noon and the Pen: A Treatise on the Critique of Power", *Book of the Month*, Vol. 3, 140-143. (in Persian).
- Moore, Thomas (1994), *Utopia*, tr. by Dariush Ashouri and Nader Afshar Naderi, Tehran: Kharazmi pub, (in Persian).
- Movahhedi, Mohammad Reza (2011), "Study of" Paul's letter to the scribes ", a program of Jalal Al-Ahmad", *Persian Language and Literature Research*, , Vol. 22, 12-195, (in Persian).
- Omar Abdul Aziz, Omar (1989), *Studies in the History of New and Contemporary Egypt*, Alexandria: Dar al-Ma'rifah al-Jame'iyah. (in Arabic).
- Parsa, Seyed Ahmad; Haji, Saadi (2013), "The Relationship between Linguistic Functions and Personality Types in the Story of Noon and the Pen", *Literary Techniques*, No. 9, pp. 21 – 34. (in Persian).
- Sedighi, Ali Reza, (2009), "Indigenism and its impact on contemporary Iranian fiction, (1320-1357)", *Persian Language and Literature Research*, Vol. 15, 16-195-95. (in Persian).
- Shoghi, Zaif (1990), *Contemporary Arabic Literature in Egypt*, Cairo: Dar al-Ma'arif . (in Arabic).
- Sokut, Hamdi (1985), "Najib Mahfouz and the Sufi solution", *Magazine Alif*, Vol. 5. Rabi'. (in Arabic).